

- ▶ فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز
  - ▶ سال چهارم شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۸
- 

فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز

سال چهارم شماره ۱۶ زمستان ۱۳۸۸

### مقایسه اثر القاء خشم، غم و شادی در اسنادهای علی

حمیدرضا عریضی - دانشیار دانشگاه اصفهان

فلورخیاطان - دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان

#### چکیده

مطالعه تأثیر القاء شده غم، خشم و شادی بر نظام اسنادی افراد موضوع پژوهش حاضر می‌باشد. تصور می‌شود که خلق مثبت بیش از خلق منفی سبب ایجاد اسنادهای مثبت و خشم بیش از خلق منفی سبب اسنادهای شخصی می‌گردد. ۱۲۰ نفر از دانشجویان که به صورت طبقه‌ای متناسب با حجم از دانشکده‌های مختلف دانشگاه اصفهان انتخاب گردیده بودند در جلسات القاء خلق شامل ترکیبی از فیلم و یادآوری خاطرات شرکت کرده و سپس به پرسشنامه مقیاس بعد اسنادی تجدیدنظر شده (مک اولی، دوکان و راسل، ۱۹۹۲) پاسخ دادند. برای تحلیل یافته‌ها از  $t$  گروه‌های مستقل، تحلیل واریانس چندمتغیره و تک‌متغیره و ضرائب همبستگی درونی ابزارها استفاده گردید. یافته‌ها نشان داد که افراد در حال خوش قضاوت مثبت‌تری راجع به افراد هدف می‌انجامد و در حال ناخوش به ملامت رفتارهای نامطلوب افراد هدف می‌پردازند که با این حال کمتر از خشم به اسناد شخصی می‌انجامد. یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان در جهت رد

نظریه پالایش روانی فروید مورد استفاده قرار داد زیرا خشم نه به پالایش بلکه به ویرانی و فروپاشی اسنادهای مثبت می‌انجامد که به صورت ماریچی باعث تزیید خشم می‌گردد.

**واژگان کلیدی:** خشم، غم، شادی، اسنادهای ملی.

مطالعه در مورد تأثیر خلق بر حافظه (محمود علیلو، ۱۳۷۷؛ محمود علیلو و عشایری، ۱۳۷۳، محمود علیلو، ۱۳۷۴؛ خسروی، ۱۳۷۸) و هم‌چنین تأثیر خلق بر شناخت (عریضی و گلپور، ۱۳۸۵؛ حامدی و کاویانی، ۱۳۸۳). در پژوهش‌های داخل کشور گزارش شده است هرچند در مورد رابطه خلق با اسنادها پژوهش‌هایی (مثلاً قاسمی، فتحی آشتیانی و رئیسی، ۱۳۸۸) انجام شده است اما این پژوهش‌ها به صورت آزمایشی نبوده و بنابراین نتوانسته به بررسی تأثیر خلق بر اسنادها بپردازد. در پژوهش‌های آزمایشی پژوهشگران موقعیت‌هایی را برای خلق مثبت به‌وجود می‌آورند و تأثیر آن را بر نظام اسنادی افراد مورد مطالعه قرار می‌دهند.

مثلاً کازوتوکی<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۹) توانستند با بهبود خلق دانش‌آموزان ابتدائی از طریق القاء خلق مثبت در اسناد موفقیت به عوامل درونی و شکست به عوامل ناپایدار در پیشرفت تحصیلی آنها موثر باشند. این تأثیر نه فقط بر اسناد موفقیت و شکست خود فرد بلکه به اسنادهایی که در مورد دیگران (براون<sup>۲</sup>، ۱۹۸۴) انجام شده است نیز مصداق دارد. البته فقط القاء خلق مثبت به برون‌دادهای آزمایشی نمی‌انجامد مثلاً چوا<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۴) توانسته‌اند از طریق القاء خلق منفی و تأثیر بر اسناد منفی در مورد قضاوت در مورد بدن در رفتار پرخوری افراد تأثیرگذارند. کامرون<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۵)

1- Kazutoki  
3- Chua

2- Brown  
4- Cameron

توانستند نشان دهند که در یک دوره طولانی افرادی که دارای یک خلق منفی و اسنادهای منفی همراه آن بوده‌اند بیشتر دارای ناراحتی قلبی شده‌اند. گزارش خلق منفی در این پژوهش به صورت گذشته‌نگر بوده و بنابراین اطمینان از تأثیر واقعی آن کامل نیست و نیاز به پژوهش آزمایشی در این زمینه هست. براین اساس فرضیه زیر تدوین و در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت: *خلق مثبت سبب اسنادهای مثبت بیشتری نسبت به خلق منفی در بین آزمودنی‌ها می‌گردد.*

غم و خشم دو هیجان مختلف می‌باشند که به ترتیب جهت‌گیری آنان به موقعیت و افراد است، با توجه به اهمیت این تمایز مثال‌هایی از ادبیات برای آن ارائه می‌دهیم. غم زائیده موقعیت است و کمتر معطوف به فرد است مانند شعر موریس مترلینگ<sup>۱</sup> که در آن پرندگانی را تصویر کرده است که در دوره بی‌آفتابی غمگین به انتظار نشسته‌اند (غیائی، ۱۳۸۵: ۱۹۵) در صورتی که خشم معطوف به فرد است مانند موقعیتی که توسط بودلر<sup>۲</sup> در مورد سوژه شعری او یعنی یک شکارچی ترسیم شده است که از نكوهش مهارت شکار خود توسط همسرش به خشم می‌آید (هنرمندی، ۱۳۵۴: ۲۳۸) به همین دلیل در مطالعات روان‌شناختی که بر پایه روش‌های آزمایشگاهی باید القاء غم صورت گیرد از افراد خواسته می‌شود بر موقعیت‌های غم متمرکز شوند در حالی که در القاء خشم افراد باید کسانی را در ذهن آورند که مثلاً از آنها تضحیح حقی کرده و آنها را به خشم آورده‌اند. با توجه به نظریه یادگیری نیابتی و نیز همانندسازی در روانکاوی انتظار می‌رود فیلم‌های پرخاشگرانه خشم و فیلم‌های تراژیک غم را برانگیزانند در این صورت مقایسه آثار منفی تبعی آنها دارای ضرورت می‌باشد تا مدیران و سیاست‌گزاران را به تصمیم‌گیری بر مبنای مطالعات روانشناختی تشویق کند. نظریه پالایش هیجانی که تحت تأثیر روانکاوی قرار دارد ایجاد خشم را حتی سودمند می‌داند و القاء خشم

---

1- Moris metrling نویسنده مشهور بلژیکی و برنده جایزه نوبل و از آثار مشهور اوست پرنده آبی، مورچه گان و زنبور عسل

2- Bodler شاعر معروف فرانسوی و سراینده گل‌های شر و بسیاری او را پدر مدرنیسم می‌دانند

پرخاشگرانه اما تخیلی یعنی فرآورده‌های ثانویه تفکر را سبب کاهش پرخاشگری می‌داند، بررسی صحت و سقم این نظریه یک جنبه بنیادی در پژوهش حاضر است.

خلق منفی یکی از هیجان‌های منفی می‌باشد که با هیجان‌های منفی دیگر از قبیل خشم تمایز و تفاوت دارد (ریو<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳). غم آزارنده‌ترین هیجان است که فرد برای کاهش آن دارای انگیزه است تا محیط را به وضعیت قبلی بازگرداند. اما خشم هیجانی فراگیر است که در یادآوری هیجان‌ها از همه نزدیک‌تر به ذهن است. (شرر و تاننباوم<sup>۲</sup>، ۱۹۸۶). لرنر و کیلتنر<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) نشان دادند که خشم احساس کنترل افراد را نیز افزایش می‌دهد هم‌چنین گاهی رویدادهای خشم به پرخاشگری منجر می‌شود (تفریت<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۲).

با توجه به این که غم و خشم هر دو سبب اسناد منفی می‌گردند این سوال وجود دارد که کدام یک از این دو حالت هیجانی سبب ایجاد اسنادهای منفی بیشتر می‌گردد؟

بودن هاوزن، شپارد و همکاران<sup>۵</sup> (۱۹۹۴) تأثیر افتراقی خشم و غم را بر روی اسنادها مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که اسنادهای خشم نسبت به غم بیشتر منفی می‌باشد. نظریه‌های متعددی در روان‌شناسی در مورد تأثیر خلق بر نگرش، مثلاً نظریه مدل پردازش یافتاری- نظامدار (چایکن و همکاران<sup>۶</sup>، ۱۹۸۹)، خلق به عنوان اطلاعات (شوارتز و کلور<sup>۷</sup>، ۲۰۰۳)، اقتضایی لذت (وگنر<sup>۸</sup>، ۱۹۹۷) ساخته شده است. تأثیر خلق بر اتخاذ راهبردهای تصمیم‌گیری، مثلاً نظریه دسترسی به راهبردهای ایسن<sup>۹</sup> و همکاران (۱۹۸۲) ساخته شده است.

در مورد تأثیر خلق بر اسنادها وان اوروال<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۸) از رویکرد شناختی پیوندگرایی

- |                                   |                        |
|-----------------------------------|------------------------|
| 1- Reve                           | 2- Sherer & Tannenbaum |
| 3- Lerner & Keltner               | 4- Tafrate             |
| 5- Bodenhausen & Sheppard & et al | 6- Chaiken & et al     |
| 7- Schwarz & Clore                | 8- Wegner              |
| 9- Isen & et all                  | 10- Van overall        |

بین تأثیر خلق و اسناد سببی انتقاد کرده و شوارتز و کلور (۱۹۸۳) تأثیر خلق در خطای اسنادها را بررسی کرده است. گیلبرت، مک نالتی جیالیانو و بنسون<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) یک نظریه سه مرحله‌ای برای شکل‌گیری اسنادها ساخته‌اند که ریشه در پژوهش‌های قبلی (گیلبرت<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱؛ گیلبرت و هیکسون<sup>۳</sup>، ۱۹۹۱؛ گیلبرت، پلهم و کرول<sup>۴</sup>، ۱۹۸۸) دارد.

در مرحله اول افراد به طبقه‌بندی رفتارهای دیگری می‌پردازند و در مرحله دوم اسنادها را به اشخاص نسبت می‌دهند و در مرحله سوم ویژگی‌های موقعیتی را در نظر گرفته و بر این مبنا عمل تصحیح اسنادها را انجام می‌دهند. به دلیل اینکه خشم همیشه معطوف به افراد می‌باشد در حالی که غم بیشتر معطوف به موقعیت‌ها است بنابراین تصور می‌شود که غم به مرحله سوم قضاوت اجتماعی نائل می‌گردد در حالیکه خشم در مرحله دوم متوقف می‌ماند. به عبارت دیگر افرادی که در موقعیت‌های خشم قرار می‌گیرند کمتر به تصحیح اسنادهای خویش مبادرت می‌ورزند. هرچند در این مورد پژوهش مستقلی انجام نگرفته است، اما لامبرت و همکاران<sup>۵</sup> (۱۹۹۷) دریافته‌اند که خلق منفی هنگامی که به اسناد منفی منجر می‌گردد با توجه به عوامل محیطی تصحیح شده و از میزان منفی بودن آن کاسته می‌گردد. کلتنر و همکاران<sup>۶</sup> (۱۹۹۳) دریافته‌اند که خشم بیشتر به اسنادهای شخصی و غم بیشتر به اسنادهای موقعیتی می‌انجامد. (مورو و همکاران<sup>۷</sup>، ۱۹۹۳؛ اسمیت و ال س ورس<sup>۸</sup>، ۱۹۸۲) بر مبنای نظریه‌های ارزیابی شناختی هیجان نشان داده‌اند که خشم و غم به ترتیب به اسنادهای شخصیتی و موقعیتی می‌انجامد که اسنادهای موقعیتی سبب کاهش ارزیابی منفی می‌گردد و بنابراین می‌توان فرضیه دوم پژوهش را به صورت زیر تنظیم کرد:

خشم سبب اسنادهای شخصی بیشتری نسبت به غم برای رفتارهای منفی می‌گردد.

1- Gilbert, Mc nulty, Guiliano & Benson

3- Gilbert & Hixon

5- Lambert & et al

7- Mauro & et al

2- Gilbert

4- Gilbert, Pelham & Krull

6- Keltner & et al

8- Smith & Ellsworth

### مداخله القاء خلق

روش‌های القایی عبارت از روش‌هایی هستند که به صورت آزمایشگاهی و تحت هدایت آزمایشگر سازه‌های روان‌شناختی پدید می‌آید تا بتوان به تأثیر آنها بر متغیرهای وابسته پی برد. در یکی از اولین آزمایش‌ها از این دست کوپر و همکاران (۱۹۷۸) متابعت و پیروی از رهبری که یک ویژگی روان‌شناختی و شخصیتی است را تحت شرایط آزمایشگاهی به صورت القاء پدید آوردند. خلق به خصوص در پژوهش‌های متعدد توسط آزمایشگر پدید آمده است. روش‌های القاء دامنه بسیار گسترده‌ای دارد مثلاً ممکن است آزمودنی‌ها از طریق دارو (مانند هالوپریدول) دارای خلق القائی شوند یا از طریق نمایش فیلم شاد یا غمگین (بهرامی و افروز، ۱۳۸۶)، از طریق مرور خاطرات مرتبط با خلق از قبیل مرور خاطرات که آنها را غمگین، شاد یا خشمگین می‌سازد (هین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷) و بالاخره از طریق ورزش (مثلاً لین<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۵) دارای خلق القائی شوند. برای القاء خلق روش‌های متفاوتی وجود دارد. بلینی<sup>۳</sup> (۱۹۸۶) از روش آزمایشی موفقیت-ناکامی استفاده کرد. در این روش آزمونگر آزمودنی را در مقابل تکالیفی قرار می‌دهد که در آن پاسخ صحیح یا غلط وجود ندارد و بنابراین می‌توان به دلخواه آنها را در گروه‌های با بازخورد مثبت و یا منفی قرار داد. روش دیگر القاء خلق آن است که از افراد خواسته شود که در مدت ۵ دقیقه همگی حالت‌های غم، شادی و خشم را در زندگی خویش مرور کنند و سپس آن را به صورت نوشتاری بر روی صفحه کاغذ ثبت کنند. زمان القاء خلق ۱۰ دقیقه تا ۱۵ دقیقه می‌باشد.

### روش

### جامعه و نمونه آماری

آزمودنی‌های پژوهش حاضر ۱۲۰ نفر از دانشجویان بوده‌اند دانشجویان به صورت تصادفی

1- Heene  
3- Blaney

2- Lane

تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم از ۵ دانشکده در دانشگاه اصفهان انتخاب گردیدند برای شرکت در پژوهش برای آنها هدیه‌ای در نظر گرفته شد. که در هریک از سه گروه القاء خلق شاد، القاء خلق منفی و القاء خلق خشم قرار داده شدند تفاوت معنی‌داری بین میانگین سنی دانشجویان در هریک از سه گروه وجود نداشت. میانگین سنی در گروه اول ۲۱/۸، در گروه دوم ۲۱/۶ و در گروه سوم ۲۲/۱ بوده است. همه دانشجویان در مقطع لیسانس بوده‌اند که ۶۰ نفر از آنها دختر و ۶۰ نفر پسر بوده‌اند.

### روش القاء خلق

در پژوهش حاضر برای القاء خلق از مجموع روش‌های فیلم نگاری و یادآوری خاطرات استفاده شد از آزمودنی‌ها دعوت شده بود که فیلمی را مشاهده کنند که در آنها القاء شادی، غم و خشم کند. برای این کار از سه فیلم جویندگان طلا و قصه عشق و هفت<sup>۱</sup> استفاده گردید. تماشای این فیلم‌ها به صورت نامربوط با اهداف پژوهش وانمود گردید و فقط هدف آن آماده‌سازی ذهنی برای یادآوری خاطرات متناسب بود. پس از آن از آزمودنی‌ها خواسته شد که به مدت پانزده دقیقه خاطرات غمگین، شاد و خشم آلود خود را به یاد آورده و افکار خود را یادداشت کنند. برای اطمینان از القاء خلق، واریسی مداخله یعنی بررسی اثر متغیر مستقل انجام گرفت. برای واریسی مداخله از آزمودنی‌ها خواسته شد که ۱۲ عاطفه از میان عواطف مثبت و منفی (واتسون، کلارک و تله جن<sup>۲</sup>، ۱۹۸۸) را پاسخ دهند که در آن مشخص شود تا چه اندازه در آن زمان احساس شادمانی، خشنودی و آزرده‌گی دارند. برای واریسی مداخله از گروه کنترل شامل ۴۰ نفر از آزمودنی‌ها استفاده گردید که به پرسش‌های مشابهی پاسخ دادند در حالی که القاء خلق در آنها انجام نگرفته بود.

۱- به ترتیب سه فیلم ساخته شده که توسط سینماگران مشهور آمریکا، چاپلین، سگال و فینچر که به ترتیب سبب القاء شادی، غم و خشم می‌گردد.

2- Watson, Clark & Tellegen

افراد برای القاء خلق باید موقعیت‌هایی را تصور کنند مثلاً هفت موقعیت که در آن القاء خلق مثبت در پژوهش‌های خارج شده است به ترتیب عبارتند از:

۱- در حال خوردن بادام زمینی و سودا (جنیس، کی و کرشنر<sup>۱</sup>، ۱۹۶۵) ۲- در حال دیدن برنامه‌ای خوب (کراگمن<sup>۲</sup>، ۱۹۸۳) ۳- با پس‌زمینه‌ای از یک موزیک دلپذیر (گالیزیو و هندریک<sup>۳</sup>، ۱۹۷۲).

۴- عطری خوش (بارون<sup>۴</sup>، ۱۹۸۳)

۵- لیخندی بر لب (لیرد<sup>۵</sup>، ۱۹۷۴)

۶- تأیید با سر (پتی، ولز و بروک<sup>۶</sup>، ۱۹۷۶)

۷- یا راحت نشستن (پتی، ولز، هیساکر، بروک و کاجیوپو<sup>۷</sup>، ۱۹۸۳). (ص ۲۸۵).

برعکس خلق منفی سبب بالا رفتن احتمال اسنادهای منفی در قضاوت اجتماعی می‌گردد (دلارد و همکاران<sup>۸</sup>، ۱۹۳۹؛ استفان و استفان<sup>۹</sup>، ۱۹۸۵؛ جکسون و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۱).

### مداخله قضاوت

در مطالعات روان‌شناسی اجتماعی معمولاً دو نوع مداخلات اعمال می‌شود. مداخلات نوع اول را تأثیر و نوع دوم را قضاوت می‌نامند. در مطالعات تأثیر متغیرها عیناً در مورد آزمودنی اعمال می‌شود در حالی که در مداخلات قضاوت آزمودنی‌ها به مطالعه یک متن در مورد فرد دیگری می‌پردازند و از آنها گفته می‌شود که در مورد فرد موردنظر قضاوت کنند. مثلاً در روان‌شناسی اجتماعی هنگامی که به مطالعه تأثیر خطای قهرمانان در محبوبیت وی پرداخته می‌شود متنی را مورد مطالعه قرار می‌دهند که در

1- Janis, Kaye & Kirshner

3- Galizio, Hendrick

5- Laird

7- Petty, Wells, Heesacker, Brock & Cacioppo

9- Stephan & Stephan

2- Krugman

4- Baron

6- Petty, Wells & Brock

8- Dollard & et al

10- Jackson & et al



آن یک بار قهرمان دچار خطا شده در حالی که در متن دیگر وی هیچ خطایی مرتکب نمی‌شود. سپس از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود که در مورد محبوبیت او قضاوت کنند. با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر خلق القاء شده در اسناد بود از مداخلات نوع قضاوت استفاده گردید به این ترتیب که آزمودنی‌ها در مورد یک سناریو با بار مثبت و در یک سناریو با بار منفی به قضاوت پرداختند. سناریوها در روان‌شناسی اجتماعی از ابزارهایی است که امکان مداخله‌های کنترل شده را فراهم می‌سازد (برکویتز<sup>۱</sup>، ۱۳۷۲). سناریوی بار مثبت یک ورزشکار در دانشگاه اصفهان را مورد ملاحظه قرار می‌دهد که موفقیت‌های ورزشی در حیطهٔ دو و میدانی را داشته و مدال‌هایی را کسب کرده بود و پس از فراغت از تحصیل به یک باشگاه ورزشی پیوسته بود. در سناریوی منفی در مورد فردی قضاوت شده بود که با خدشه در اسناد و مدارک مالی توانسته بود پولی را به صورت غیرمشروع تحصیل کند و اینک پس از آزادی از زندان به دنبال کار می‌گردد.

#### ابزار اندازه‌گیری

برای سنجش اسنادها از مقیاس بعد اسنادی تجدیدنظر شده (CDS2)<sup>۲</sup> (مک اولی، دون کان و راسل<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲) استفاده گردید. این مقیاس علاوه بر مقیاس عاطفه مثبت و منفی (واتسون و همکاران<sup>۴</sup>، ۱۹۸۸) مورد استفاده قرار گرفت، که در یک طیف لیکرتی ۷ درجه‌ای به بررسی خلق القاء شده می‌پرداخت. مقیاس CDS2 اسنادهای سببی را برای رفتار مورد هدف مورد سنجش قرار می‌دهد. این مقیاس نخستین بار بر اساس مدل اسنادی واینر (۱۹۸۶ و ۱۹۸۵) از انگیزش پیشرفت و هیجان ساخته شده است. واینر تصور می‌کرد که اثر ابعاد سببی بر رفتار میانجی انتظارات آینده و عکس‌العمل‌های هیجانی به برون‌دادهای موفقیت است. شکل نخست این مقیاس توسط راسل (۱۹۸۲) برای سنجش دلایل چگونگی ادراک علیت و سببها توسط افراد با مقیاس افتراق معنایی

---

1- Berkowitz  
3- McAuley, Duncan & Russell

2- Causal Dimension Scale 2  
4- Watson & et al

ساخته شد. ابعاد جایگاه (مسند) علی، ثبات و کنترل در این مقیاس با ویژگی‌های روان‌سنجی به دست آمد (آبراهام<sup>۱</sup>، ۱۹۸۵، راسل و مک اولوی<sup>۲</sup>، ۱۹۸۶، والراند<sup>۳</sup>، ۱۹۸۷).

مقیاس راسل توسط افتخار سعادی (۱۳۷۳) ترجمه، پایایی سنجی و اعتباریابی شد. در این پرسشنامه ۱۶ موقعیت فرضی ذکر شده که ۸ موقعیت آن بر اساس موفقیت و ۸ موقعیت بر اساس شکست تنظیم شده است. در این پرسشنامه برای هر یک از ۱۶ موقعیت فرضی علتی ذکر شده و آزمودنی‌ها باید در مورد علت فکر شده پس از قرار دادن خود در موقعیت پاسخ دهند. تعداد سوال‌ها ۹ عدد (۱ و ۵ و ۷ مسند ۳ و ۶ و ۸ پایداری و ۲ و ۴ و ۹ کنترل‌پذیری) است این مقیاس توسط طباطبایی (۱۳۷۶) و گروسی و محمد الفت (۱۳۸۶) نیز مورد استفاده قرار گرفته است. مقیاس CDS2 شکل تجدیدنظر شده مقیاس CDS است. این مقیاس دارای دوازده سوال و با این دستورالعمل است که آزمودنی‌ها باید دلیل قضاوت خود در مورد سناریوهای اجتماعی مطرح شده را در یک طیف نه درجه‌ای افتراق معنایی بیان کنند. در یک طرف طیف افتراق معنایی مثلاً علت آن قضاوت تفکر در مورد جنبه ای از خود فرد (۹) تا جنبه‌ای از موقعیت (۱) و یا ثبات در طول زمان (۹) تا متغیر در طول زمان (۱) می‌باشد. در این مقیاس ۱۲ سوالی مسند علی بر روی سوالات ۱، ۶ (نمره گذاری معکوس) و ۹ به دست می‌آید. ثبات بر روی سوالات ۳ (با نمره غیرمستقیم) و ۷ و ۱۱ (با نمره گذاری معکوس). کنترل شخصی بر روی سوالات ۴ (با نمره گذاری مستقیم) و ۲ و ۱۰ (با نمره گذاری معکوس) و کنترل بیرونی بر روی سوالات ۵، ۸ و ۱۲ (همگی با نمره معکوس) به دست می‌آید. این مقیاس برای نحوه اسناددهی بیماران اسکیزوفرنیا (توسط ماک و وو<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶) و برای بررسی اعتبار همزمان دو مقیاس سبک اسناددهی

1- Abraham  
3- Vallerand

2- Russel & McAuley  
4- Mak & Wu

در محیط کار (اشفورت و فوگیت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶) و اسنادهای مرتبط با مقابله با مشکلات و حل آنها (استپلمان، دارسی و تریسی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵) بکار رفته است. مقیاس اسناددهی در محیط کار در اصل بر اساس ASQ ساخته شده و WASQ نام دارد که توسط عریضی (۱۳۸۸) اعتباریابی شده است. در مطالعات داخل کشور برای مطالعه سبک‌های اسنادی از پرسشنامه سبک‌های اسنادی ASQ (نظری، ۱۳۷۲، رجبی و شهینی ییلاق، ۱۳۸۴) استفاده کرده‌اند این مقیاس برای نخستین بار در پژوهش حاضر ترجمه و توسط یکی از اساتید زبان انگلیسی مجدداً به انگلیسی بازگردانی شد و با اصل مطابقت داده شد. با توجه به مطلوب بودن ترجمه در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفت. بلافاصله پس از توصیف هدف مورد نظر در سناریوی مداخله‌ای از آزمودنی‌ها در سؤال‌های باز خواسته می‌شود که پاسخ دهند چرا رفتارهای فرد هدف رخ داده است. مثلاً چرا فرد هدف در ورزش موفق بوده است و سپس از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود که مهم‌ترین دلیل رفتار فرد هدف در سناریو را بنویسند و در هر یک از زیر مجموعه‌های مربوط به علیت در مقیاس پاسخ دهند که تا چه میزان فرد هدف آنها را دارا بوده است. این زیرمجموعه‌ها در مورد جایگاه علیت (مثلاً در مورد هدف و موقعیت) ثبات (مثلاً دائمی بودن یا موقتی بودن آن) کنترل فردی (مثلاً آیا فرد هدف دارای نظم‌بخشی در رفتار خود می‌باشد) کنترل بیرونی (در مورد دیگران مثلاً آیا دیگران بر فرد هدف کنترلی دارند). این مقیاس در طیف لیکرتی ۷ درجه‌ای تنظیم می‌گردد. نمره بالاتر به معنی اسناد موقعیتی، ناپایدار و غیرقابل کنترل توسط فرد هدف می‌باشد که دیگران نیز بر آن کنترلی ندارند. تصور می‌شود که اگر یادآوری حالت‌های هیجانی بتواند در آزمودنی‌ها خلق متناظر را ایجاد کند در آن صورت خلق مثبت به اسنادهای مثبت و خلق منفی به اسنادهای منفی منجر می‌گردد و بین هیجان منفی مربوط به خشم و هیجان منفی مربوط به غم تفاوت وجود دارد و اولی بیشتر موجب اسنادهای شخصی و منفی می‌گردد.

---

1- Ashforth and Fugate

2- Stepleman, Darcy and Tracey

برای پایایی سنجی ابزار واریسی مداخله و نیز ابزار اسناد از دو روش بازآزمایی و سازگاری درونی استفاده گردید که نتایج در جدول (۱) آورده شده است.

جدول (۱) پایایی ابزارهای پژوهش

| بازآزمایی | ضریب تنصیف | پایایی آلفای کرونباخ |              |
|-----------|------------|----------------------|--------------|
| ۰/۷۶      | ۰/۷۴       | ۰/۷۱                 | عواطف مثبت   |
| ۰/۶۷      | ۰/۷۱       | ۰/۷۳                 | عواطف منفی   |
| ۰/۷۷      | ۰/۷۱       | ۰/۶۹                 | مسند علی     |
| ۰/۷۵      | ۰/۷۲       | ۰/۷۴                 | ثبات         |
| ۰/۷۵      | ۰/۷۸       | ۰/۷۶                 | کنترل شخصی   |
| ۰/۷۴      | ۰/۷۹       | ۰/۸۱                 | کنترل بیرونی |

#### یافته‌ها

ابتدا مقایسه بین بار ارزشی رفتارهای مطلوب و منفی انجام گرفت. همانطور که نتایج جدول (۲) نشان می‌دهد بار ارزشی رفتارهای مثبت مطلوب‌تر از رفتارهای منفی بوده است. ( $P < 0/001$ ) به عبارت دیگر در سناریوی اجتماعی که ورزشکار با موفقیت‌های ورزشی در حیطه دو و میدانی با رفتار مثبت و فردی که با خدشه در اسناد و مدارک مالی، پولی را به صورت غیرمشروع کسب کرده بود دارای رفتار منفی در نظر گرفته شدند تا اینجا فقط واریسی مداخله انجام شده بود و هنوز بررسی فرضیه‌ها آغاز نشده است.

جدول (۲) مقایسه مطلوبیت (بار) رفتارهای مثبت و منفی (مداخله بار)

| t                  | واریانس | میانگین |               |
|--------------------|---------|---------|---------------|
| ***۴۴۷/۵۱          | ۰/۱۷    | ۶/۷۶    | رفتارهای مثبت |
|                    | ۰/۲۲    | ۳/۱۸    | رفتارهای منفی |
| $\leq P < 0.00***$ |         |         |               |

- فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز  
 سال چهارم شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۸

برای بررسی مداخله دوم باید اطمینان حاصل شود که القاء صورت گرفت است هر چند در پژوهش‌های آزمایشی معمولاً متغیر مستقل مورد سنجش قرار نمی‌گیرد اما برای اطمینان از اثربخشی مداخله تحلیل واریانس چندمتغیره (MANOVA) صورت گرفت.

در جدول (۳) میانگین و انحراف معیار مربوط به هر ۴ گروه القاء هیجان‌های شادی، غم و خنثی آورده شده است. همانطور که دیده می‌شود شرکت‌کنندگان غمگین بیش از ۳ گروه دیگر غم را تجربه کرده‌اند همچنین شرکت‌کنندگانی که القاء هیجان خشم در آنها شده است نسبت به ۳ گروه دیگر خشم بیشتری را در پاسخ به سؤالات پرسشنامه عواطف مثبت و منفی نشان داده‌اند. در مورد گروه شاد نیز نتایج مشابهی وجود دارد. بدین ترتیب مداخله تأثیر داشته است و توانسته است حالت‌های متناظر خلقی را در آنها ایجاد کند.

جدول (۳) بررسی میزان القاء خلق در هر یک از چهار گروه

| گروه                   | حالت گزارش شده |              | شادی    |              | غم      |              | خشم |
|------------------------|----------------|--------------|---------|--------------|---------|--------------|-----|
|                        | میانگین        | انحراف معیار | میانگین | انحراف معیار | میانگین | انحراف معیار |     |
| القاء شادی             | ۵/۴۸           | ۰/۲۲         | ۲/۶۶    | ۰/۲۶         | ۲/۲۹    | ۰/۲۶         |     |
| القاء غم               | ۲/۹۶           | ۰/۲۶         | ۴/۶۳    | ۰/۲۲         | ۲/۵۴    | ۰/۲۷         |     |
| القاء پرخاشگری         | ۳/۱۷           | ۰/۲۱         | ۳/۵۹    | ۰/۳۱         | ۵/۲۷    | ۰/۱۹         |     |
| گروه بدون القاء (خنثی) | ۳/۹۴           | ۰/۱۹         | ۲/۴۳    | ۰/۲۹         | ۲/۰۹    | ۰/۲۱         |     |
| F                      | **6.57         | **7.11       | **6.92  |              |         |              |     |

\*\*=P<0.01

در جدول (۴) رابطه بین زیرمقیاس‌های متغیر وابسته گزارش شده است که همگی معنی‌دار می‌باشد. ضرایب روی قطر ضرایب پایایی می‌باشد. رابطه بین کنترل شخصی با ثبات و مسند علی مثبت و رابطه بین کنترل بیرونی و مسند علی و ثبات منفی است.

جدول (۴) همبستگی درونی بین مقیاس‌های اسناد علیت

| مقیاس           | مقیاس   | مسنند علی | ثبات    | کنترل شخصی | کنترل بیرونی |
|-----------------|---------|-----------|---------|------------|--------------|
| ۱- مسند علی     | ۰/۶۹    | -         | -       | -          | -            |
| ۲- ثبات         | ۰/۴۲**  | ۰/۷۴      | -       | -          | -            |
| ۳- کنترل شخصی   | ۰/۵۹**  | ۰/۲۹**    | ۰/۷۶    | -          | -            |
| ۴- کنترل بیرونی | -۰/۴۷** | -۰/۱۷**   | -۰/۴۴** | ۰/۸۱       | -            |

\*\*= $P < 0.05$

در جدول (۵) میانگین و انحراف معیار برای رفتارهای با بار مثبت و با بار منفی برای هریک از آزمودنی‌هایی که القاء عاطفه مثبت یا عاطفه منفی به آنها شده است برای هریک از چهار زیرمقیاس اسناد آورده شده است. اعداد بزرگتر نشان‌دهنده جایگاه علیت بیرونی یعنی موقعیت است هم‌چنین در مقابل ثبات علی نشان‌دهنده عدم ثبات می‌باشد. هم‌چنین اعداد بزرگ‌تر برای کنترل فردی و نیز کنترل بیرونی نشان‌دهنده این است که علت‌ها کمتر توسط فرد هدف در سناریوی مداخله‌ای کنترل می‌گردد و هم‌چنین این علت‌ها کمتر تحت کنترل دیگران می‌باشد. پس از معنی‌داری بزرگ‌ترین ریشه روی و لاندای و ویلکز، تحلیل‌های واریانس تک متغیره آورده شده و نتایج در جدول ۵ گزارش شده است. نتایج آزمون F نشان می‌دهد که هنگامی که رفتار مثبت باشد آزمودنی‌ها علیت را بیشتر به فرد مورد هدف اسناد می‌دهند آن را پایاتر و نیز بیشتر تحت تأثیر کنترل فرد هدف می‌دانند و آن را کمتر تحت کنترل دیگران می‌پندارند. این یافته‌ها فرضیه (۱) را تأیید می‌کند که خلق مثبت بیش از خلق منفی سبب برانگیختن اسنادهای علی مطلوب می‌گردد. به عبارت دیگر فرد موردنظر در سناریو با رفتار مثبت (کسب مدال قهرمانی و تلاش در جهت موفقیت) به گونه‌ای در نظر گرفته می‌شود (در حالت خلق مثبت) که دلیل موفقیت او خودش بوده و وی در رفتار خود دارای ثبات و

- فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز  
 سال چهارم شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۸

کنترل شخصی بوده است. به عبارت دیگر افراد در خلق مثبت قضاوت بهتری نسبت به دیگران دارند. این تفاوت در حالت خلقی برای رفتارهای با بار منفی دیده نمی‌شود.

جدول (۵) مقایسه حالت شاد (القاء مثبت)

| F      | القاء مثبت           |                      | القاء منفی           |                      | اسناد |      |      |      |              |
|--------|----------------------|----------------------|----------------------|----------------------|-------|------|------|------|--------------|
|        | رفتار با بار مثبت    |                      | رفتار با بار منفی    |                      |       |      |      |      |              |
|        | انحراف میانگین معیار | انحراف میانگین معیار | انحراف میانگین معیار | انحراف میانگین معیار |       |      |      |      |              |
| **۵/۰۷ | ۰/۳۵                 | ۳/۱۹                 | ۰/۳۹                 | ۴/۱۷                 | ۰/۳۶  | ۳/۶۹ | ۰/۳۹ | ۲/۷۵ | مسند علی     |
| **۵/۶۲ | ۰/۳۵                 | ۳/۴۴                 | ۰/۳۳                 | ۴/۳۲                 | ۰/۲۹  | ۳/۵۷ | ۰/۴۶ | ۲/۸۳ | ثبات         |
| **۴/۱۹ | ۰/۲۹                 | ۳/۱۷                 | ۰/۴۱                 | ۳/۹۷                 | ۰/۲۸  | ۳/۶۷ | ۰/۴۱ | ۲/۷۹ | کنترل شخصی   |
| ۱/۲۴   | ۰/۳۵                 | ۳/۶۶                 | ۰/۳۹                 | ۴/۱۱                 | ۰/۳۷  | ۳/۸۱ | ۰/۲۹ | ۴/۰۷ | کنترل بیرونی |

\*\*=P<۰/۰۵

برای مقایسه نتایج مربوط به هیجان غم و هیجان خشم، نتایج در جدول (۶) گزارش شده است. چنانکه دیده می‌شود در مورد رفتار با بار منفی (خداشه در اسناد مالی و کسب مال نامشروع) دلیل آن به خود فرد و نه موقعیت انتساب یافته و وی در رفتار خود دارای ثبات و کنترل شخصی بوده و بنابراین فرضیه (۲) نیز تأیید می‌گردد. آزمودنی‌هایی که القاء خشم در آنها انجام شده است علیت را بیشتر به هدف نسبت داده و آن را بیشتر پایا می‌دانند و آن را بیشتر تحت تأثیر کنترل فرد هدف می‌دانند. این نتیجه در مورد رفتارهای با بار منفی است و تفاوتی در رفتارهای با بار مثبت دیده نمی‌شود.

جدول (۶) مقایسه بین اسنادهای علی دو حالت غم و خشم با القاء شادی

| F      | القاء غم             |                      |                      |                      | القاء خشم            |                      |                      |                      | آزمودنی      | اسناد |
|--------|----------------------|----------------------|----------------------|----------------------|----------------------|----------------------|----------------------|----------------------|--------------|-------|
|        | رفتار با بار منفی    |                      | رفتار با بار مثبت    |                      | رفتار با بار منفی    |                      | رفتار با بار مثبت    |                      |              |       |
|        | انحراف میانگین معیار | انحراف میانگین معیار | انحراف میانگین معیار | انحراف میانگین معیار | انحراف میانگین معیار | انحراف میانگین معیار | انحراف میانگین معیار | انحراف میانگین معیار |              |       |
| ۸/۴۴** | ۰/۳۱                 | ۲/۵۶                 | ۰/۴۱                 | ۳/۸۷                 | ۰/۳۷                 | ۳/۸۲                 | ۰/۳۶                 | ۳/۴۷                 | مسند علی     |       |
| ۸/۴۴   | ۰/۴۱                 | ۲/۸۴                 | ۰/۳۵                 | ۳/۷۵                 | ۰/۳۹                 | ۴/۰۴                 | ۰/۳۹                 | ۳/۸۹                 | ثبات         |       |
| ۷/۲۹** | ۰/۳۶                 | ۲/۴۳                 | ۰/۲۹                 | ۳/۵۶                 | ۰/۴۲                 | ۳/۹۱                 | ۰/۲۷                 | ۳/۳۸                 | کنترل شخصی   |       |
| ۱/۲۶   | ۰/۳۳                 | ۳/۴۹                 | ۰/۳۴                 | ۳/۸۳                 | ۰/۳۷                 | ۳/۸۳                 | ۰/۳۱                 | ۴/۳۹                 | کنترل بیرونی |       |

#### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند که تأثیر حالت عاطفی بر قضاوت اجتماعی به بار عاطفه وابسته است که با یافته‌های پژوهش‌های قبل هماهنگی دارد (بوودن هاوزن، کرامر و سوزر<sup>۱</sup>؛ ۱۹۹۴؛ بوودن هاوس، شپارد و کرامر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴). فرضیه اول با این دیدگاه هماهنگ است که قضاوت در مورد دیگران هنگامی مطلوب‌تر است که آنها حال خوشی داشته باشند. (استفان و استفال، ۱۹۸۵). یافته‌های پژوهش حاضر از این دیدگاه فراتر می‌رود و نشان می‌دهد که عاطفه مثبت سبب اسنادهای شخصی هنگامی خواهد شد که رفتار فرد مورد اسناد مثبت باشد و عاطفه منفی هنگامی به اسناد شخصی می‌انجامد که رفتار فرد هدف منفی باشد به عبارت دیگر افراد هنگامی که حال خوش داشته باشند دیگران را به خاطر رفتارهای مطلوب آنها مورد قدردانی قرار می‌دهند اما اگر حال آنها ناخوش باشد دیگران را به دلیل رفتارهای نامطلوبشان مورد ملامت قرار می‌دهند. با این حال فرضیه دوم نشان می‌دهد که تصویر تأثیر عاطفه و هیجان بر اسنادهای علی تا حدی پیچیده‌تر است. در پژوهش حاضر دیده شد که افرادی که القاء حالت خشم در آنها شده بود علت رفتارهای منفی را بیشتر به هدف، نسبت به افراد

1- Bodenhausen, Kramer & Susser

2- Bodenhausen, Sheppard & Kramer



غمگین نسبت دادند. یافته‌های این پژوهش با پژوهش (کلنتر و همکاران، ۱۹۹۳) هماهنگی دارد. به عبارت دیگر عاطفه هم دارای بعد ارزش‌یابی اسنادی و هم بعد بار عواطف می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاضر یک نظریه مهم در مورد پرخاشگری را مورد سوال قرار می‌دهد. خشم به عنوان پیشاینده پرخاشگری در پژوهش حاضر به صورت آزمایشی و القائی مورد بررسی قرار گرفت. در نظریه پالایش روانی فروید تصور می‌شود که بروز پرخاشگری تخیلی (یعنی بارز نشده و به ظهور نیامده) نسبت به سوژه سبب کاهش احساس ناخوشایند نسبت به فرد مقابل می‌شود و بنابراین از پرخاشگری بازداری می‌کند (برکوویتز، ۱۳۷۲) این نظریه به شکل‌های دیگری نیز توسط روان‌شناسان بیان شده است که همگی آنها پرخاشگری را واکنشی برای خنثی کردن شرایط ناخوشایند می‌دانند (برکوویتز، ۱۹۸۳، دالارد<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۳۹).

هرچند برخی پژوهش‌های قبلی نشان داده بود (مثلاً ریوردو و تدشی، ۱۹۸۳) که خشم تجسمی (القائی) نه تنها پرخاشگری را کاهش نمی‌دهد بلکه حتی سبب افزایش آن می‌گردد اما در پژوهش حاضر ساز و کار آن مشخص می‌گردد. خشم القاء شده بر اسنادها اثر می‌گذارد مثلاً مسند علی یا جایگاه علیت را فردی می‌داند که نسبت به او خشم گرفته شده است و او را علت و سرچشمه شر می‌داند و شکست را نه به موقعیت بلکه به شخصیت او اسناد می‌دهد و این ویژگی‌ها را پایدار و غیرقابل تغییر در او در نظر می‌گیرد و ... بنابراین خشم نه تنها کاهش نمی‌یابد بلکه به صورت ماریپیچی افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر بر خلاف تصور فروید نمی‌توان پرخاشگری را از طریق تخیل خشم نسبت به سوژه درمان کرد و پالایش روانی ایجاد کرد زیرا تخیل خشم (خشم القائی) بر نظام اسنادی افراد تأثیر می‌گذارد. دو فرضیه پژوهش نشان می‌دهد که خشم بیش از خلق منفی اسنادهای منفی ایجاد می‌کند. بنابراین ضرب‌المثل عامیانه‌ای که خشم و تصور یک دشمن بیرونی را برای بصیرت و آگاهی توصیه می‌کند به صورت آزمایشی در این پژوهش مورد تردید قرار می‌گیرد زیرا القاء خشم نه تنها ایجاد بصیرت

---

1- Dollard

نمی‌کند بلکه سبب اسنادهای نادرست و خلاف واقع می‌گردد به گونه‌ای که هر ویژگی منفی به صورتی پایدار و از ویژگی‌های ذاتی سوژه در نظر گرفته می‌شود و بر ویژگی‌های مثبت او چشم پوشی می‌گردد و در واقع فرد دارای این دیدگاه خود اولین قربانی این نوع موضع‌گیری است زیرا از شناخت واقعی فرد مورد قضاوت محروم می‌گردد و همواره به شکلی معوج به اسنادهای نادرست می‌پردازد و تصمیم‌هایی اتخاذ می‌کند که به صورت ماریپیچی بر وخامت اسنادها می‌افزاید. یک نکته مهم در القاء خشم و مطالعات از این دست، تأکید آزمایشگر بر موقعیت خشم است. به این ترتیب آزمودنی‌ها نمی‌توانند دریافت خود را بر اساس حوادث معینی به وسیله علائم خاص به عنوان راهنمای کنش شکل دهند. مثلاً مردم ممکن است به ترس خود برچسب هیجان (مثلاً موقع سوار شدن بر قطار سرعت) بزنند (برکوویتز، ۱۳۷۲: ۱۴۶). اما در پژوهش‌های القایی تمایز بین خشم و خلق منفی به صورت کامل طبق دستورالعمل آزمایشگر وجود دارد و بنابر این اسنادها به صورت خالص در واکنش به خلق منفی و خشم ایجاد شده‌اند. در موقعیت‌های عملی این امر بسیار میسر است که عاطفه منفی به القاء خشم بیانجامد مثلاً هنگامی که شرایط زندگی نامناسب و فرد خمود و دلمرده است بجای مثبت‌اندیشی (القاء عاطفه مثبت) فرد به رویدادهایی در زندگی بیندیشد که القاء خشم می‌کند. ممکن است خشم در ابتدا به نظر فرد جایگزین خوبی به نظر برسد و وی از تغییر شکل خلق منفی به خشم خشنود باشد زیرا احیاناً فکر کند تندباد خشم گرد ملال را می‌زداید اما همین طور که در این پژوهش دیده شد مهم‌ترین متغیر شناخت اجتماعی یعنی اسنادهای وی تغییر می‌کند و علاوه بر این که مشکلات موجود او حل نمی‌شود با توجه به معطوف به بیرون بودن خشم، دشواری‌هایی برای تعامل وی با جامعه بیرونی ایجاد می‌کند.

تاریخ دریافت نسخه‌ی اولیه‌ی مقاله: ۸۷/۱۲/۱۹

تاریخ دریافت نسخه‌ی نهایی مقاله: ۸۸/۶/۳۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۱/۲۱

- فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز  
سال چهارم شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۸

## References

## منابع

- افتخار صادی، زهرا (۱۳۷۳). بررسی ارتباط سبک اسناد، عزت‌نفس و وضعیت اقتصادی با عملکرد تحصیلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اهواز، دانشگاه شهید چمران.
- برکویتز، لئونارد (۱۳۷۲). روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه محمدحسین فرجاد و عباس محمدی‌اصل، انتشارات اساطیر، تهران.
- بهرامی، فاطمه؛ محمودی، افروز (۱۳۸۶). تأثیر هیجانات القاء شده مثبت و منفی بر نگرانی و نشخوار فکری ناشی از هیجانات منفی القاء شده قبلی، مجله تازه‌های علوم شناختی، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶، صص ۷۶-۶۹.
- حامدی، رباب؛ کاویانی، حسین (۱۳۸۳). بررسی ارتباط بین استعاره‌ها و خلق افسرده، فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، شماره ۱ و ۲. بهار و تابستان ۱۳۸۳، صص ۴۰-۵۰.
- خسروی، زهره (۱۳۷۸). تأثیر شرایط مختلف ایجاد تغییر خلق بر حافظه کودکان ایرانی، مجله علمی پژوهشی پژوهش‌های روان‌شناختی، شماره ۳ و ۴. صص ۴۸-۶۲.
- رجبی، غلامرضا؛ شهنی بیلاق، منیجه (۱۳۸۴). اثرات جنسیت و رشته تحصیلی بر سبک‌های اسنادی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر اهواز و یافته‌های روان‌سنجی مقیاس، مجله اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۴ (۲۲)، ۳۲-۱۵.
- طباطبایی، موسی (۱۳۷۶). بررسی ارتباط بین شیوه‌های اسناد علی و پیشرفت تحصیلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تبریز، دانشگاه تبریز.
- عریضی، حمیدرضا؛ گل‌پرور، محسن (۱۳۸۵). تفاوت افراد دارای هیجان‌های بالا و پایین در عملیات شناختی؛ تجرید‌گزینی، شخصی‌سازی و تعمیم‌دهی افراطی، مجله علمی پژوهشی پژوهش‌های روان‌شناختی، شماره ۳ و ۴. صص ۱۰-۲۸.
- غیاثی، محمدتقی (۱۳۸۵). شعر فرانسه در سده بیستم، انتشارات ناهید، تهران

- فاسمی، نظام الدین؛ فتحی آشتیانی، علی و رئیسی، فاطمه (۱۳۸۸). سبک‌های اسنادی و سبک-های یادگیری همگرا-واگرا در دانشجویان افسرده و عادی، مجله علوم رفتاری، دوره ۳، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸، صص ۱۱۱-۱۰۵.
- گروسی، میرتقی؛ محمد الفت، فریده (۱۳۸۶). بررسی رابطه هیجان‌ها و اسنادهای علی با عزت نفس در دانشجویان دانشگاه تبریز، مطالعات تربیتی و روانشناختی، ۸، صص ۴۷-۳۳.
- محمود علیلو، مجید (۱۳۷۴). بررسی آزمایشی اثر خلق و حالات عاطفی در یادآوری انتخابی اطلاعات، مجله علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، شماره ۱۳ و ۱۴، صص ۵۷-۴۷.
- محمود علیلو، مجید (۱۳۷۷). سوگیری حافظه در افسردگی؛ پردازش طرحواره‌ای یا تسهیل عاطفی، مجله علمی پژوهشی پژوهش‌های روان‌شناختی، شماره ۱ و ۲، صص ۷۶-۸۶.
- محمود علیلو، مجید؛ عشایری، حسن (۱۳۷۳). بررسی آزمایشی اثر خلق بر حافظه، پژوهش‌های روان‌شناختی، دوره سوم، شماره ۱ و ۲، زمستان ۱۳۷۳، صص ۵۳-۴۶.
- نظری، علی محمد (۱۳۷۲). بررسی سبک اسناد (نظریه تجدید نظر شده درماندگی آموخته شده) در زنان افسرده و مضطرب و مقایسه آن با زنان عادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت معلم.
- Abraham, I.L., (1985). Causal Attributions of Depression: Reliability of the Causal Dimension Scale in Research on Clinical Inference, *Psychological Reports*, 56, 415-418.
- Ashforth, B.E., Fugate, M.(2006). Attributional Style in Work Settings: Development of a Measure, *Journal of Leadership & Organizational Studies*, 12(3), 12-29.
- Baron, R.A. (1983). Sweet Smell of Success? The Impact of Pleasant Artificial Scents on Evaluations of Job Applicants, *Journal of Applied Psychology*, 68, 709-713.
- Blaney, P.H. (1986). Affect and Memory: A review, *Psychological Bulletin*, 99, 229-246.

- Bodenhausen, G.V., Kramer, G.P., & Susser, K. (1994). Happiness and Stereotypic Thinking in Social Judgment, *Journal of Personality and Social Psychology*, 66, 621-632.
- Bodenhausen, G.V., Sheppard, L.A., & Kramer, G.P. (1994). Negative Affect and Social Judgment: The Differential Impact of Anger and Sadness, *European Journal of Social Psychology*, 24, 45-62.
- Brown, J. (1984). Effects of Induced Mood on Causal Attributions for Success and Failure, *Motivation and Emotion Journal*, PP 343-353.
- Cameron, L.D., Peterie, K.J., Ellis, C., Buick, D., & Weinman, J.A. (2005). Symptom Experiences, Symptom Attributions, and Causal Attributions in Patients Following First-time Myocardial Infarction, *International Journal of Behavioral Medicine*, 12, 30-38.
- Chaiken, S., Liberman, A., Eagly, A.H. (1989). Heuristic and Systematic Processing within and Beyond the Persuasion Context. In J.S. Uleman & J.A. Bargh (Eds.), *Unintended Thought* (PP.212-252) New York: Guilford press.
- Chua, J.L., Touyz, S., & Hill, J. (2004). Negative Mood-induced Overeating in Obese Binge Eaters: An Experimental Study, *International Journal of Obesity*, 28, 606-610.
- Cooper, J. Zanna, M.P., & Taves, P.A. (1978). Arousal as Necessary Condition for Attitude Change Following Induced Compliance, *Journal of Personality and Social Psychology*, 36, 1101-1106.
- Dollard, J., Doob, L.W., Miller, N.E., Mowrer, O.H., & Sears, R.R. (1939). *Frustration and Aggression*, New Haven, CT: Yale University Press.
- Galizio, M., & Hendrick, C. (1972). Effect of Musical Accompaniment on Attitude: The Guitar as a Prop for Persuasion, *Journal of applied Social Psychology*, 2, 350-359.
- Gilbert, D.T. (1991). How Mental Systems Believe, *American Psychologist*, 46, 107-179.
- Gilbert, D.T. & Hixon, G.J. (1991) The Trouble of Thinking: Activation and Application of Stereotypic Beliefs, *Journal of Personality and Social Psychology*, 60, 509-517.

- Gilbert, D.T., Mc nulty, S. E. Guiliano, T.A., & Benson, J.E. (1992). Blurry Words and Fuzzy Deeds: Attribution of Obscure Behavior, *Journal of Personality and Social Psychology*, 62, 18-25.
- Gilbert, D.T., Pelham, B.W., & Krull, D. S. (1988). On Cognitive Busyness: When Person Perceivers Meet Persons Perceived, *Journal of Personality and Social Psychology*, 54, 733-740.
- Heene, E. (2007). Does Negative Mood Influence Self-report Assessment of Individual and Relational Measures? An experimental Analysis, *Social Psychological & Personality Science*, 86-93.
- Isen, A.M., Means, B., Patrick, R., & Nowickie, G. (1982). Some of Factors Influencing Decision-making Strategy and Risk Taking, In M.S. Clark & S.T. Fiske (Eds), *Affect and Cognition* (PP, 243-261). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Jackson, L.A., Lewandowski, D.A. Fleury, R.E, CHIN, P.P. (2001). Effects of Affect, Stereotype Consistency, and Valence of Behavior on Causal Attributions, *Journal of Psychology*, 141, 1 Pp 31-48.
- Janis, I.L., Kaye, D., & Kirschner, P. (1965). Facilitating Effects of "Eating While Reading" on Responsiveness to Persuasive Communications, *Journal of Personality and Social Psychology*, 1, 181-186.
- Kazutoki, H., Masahiko,k., & Yasaku, O. (2009). An Examination of Causal Attribution Model about Academic Achievement of Elementary School Children (in Japanese), *The Japanese Journal of Educational Psychology*, 31(1) PP.18-27.
- Keltner, D., Ellsworth, P.C., & Edwards, K. (1993). Beyond Simple Pessimism: Effects of Sadness and Anger on Social Perception, *Journal of Personality and Social Psychology*, 64, 740- 752.
- Krugman, H. (1983). Television Program Interest and Commercial Interruption, *Journal of advertising Research*, 23, 21-23.
- Lane, A.M, Milton, K.E., & Terry. P.C. (2005). Personality does not Influence Exercise-induced Mood Enhancement among Female Exercisers, *Journal of Sports and Medicine*, 4, 223-228.

- Laird, J.D. (1974). Self-attribution of Emotion: The Effects of Expressive Behavior on the Quality of Emotional Experience, *Journal of Personality and Social Psychology*, 29, 475-486.
- Lambert, A.J., Khan, S.R., Lickel, B.A., & Frick, K. (1997). Mood and Correction of Positive versus Negative Stereotypes, *Journal of Personality and Social Psychology*, 72, 1002-1016.
- Lerner, J.S., & Keltner, D. (2001). Fear, Anger, and Risk, *Journal of Personality and Social Psychology*, 81, 146-159.
- Mak, W.W.S., & WU, C.F.M. (2006). Cognitive Insight and Causal Attribution in Development of Self-stigma Among Individuals with Schizophrenia, *Psychiatric Services*, 57 (12), 1800- 1802.
- Mauro, R., Sato, K., & Tucker, J. (1992). The Role of Appraisal in Human Emotions: A Cross-cultural Study, *Journal of Personality and Social Psychology*, 62, 301-317.
- McAluey, E., Duncan, T.E., & Russell, D.W. (1992). Measuring Causal Attributions: The Revised Causal Dimension Scale (CDSII), *Personality Social Psychology Bulletin*, 18, 566-573.
- Petty, R.E. Wells, G.L., & Brock, T.C. (1976). Distraction Can Enhance or Reduce Yielding to Propaganda, *Journal of Personality and Social Psychology*, 34, 874-884.
- Petty, R.E. Wells, G.L., Heesacker, M., Brock, T., & Cacioppo, J.T. (1983). The Effects of Recipient Posture on Persuasion: A Cognitive Response Analysis, *Personality and Social Psychology Bulletin*, 9, 209-222.
- Reve, J. (1993). The Face of Interest. *Motivation and Emotion*, 14, 353-345.
- Russell, D., McAuley, E. (1986). Causal Attributions, Causal Dimensions, and Affective Reactions to Success and Failure, *Journal of Personality and Social Psychology*, 56, 1174-1185.
- Scherer, K.R.R. & Tannenbaum, P.H. (1986). Emotional Experience in Ever Day Life, *Motivation and Emotion*, 10, 295-314.
- Schwarz, N., & Clore, G.L. (1983). Mood, Misattribution, and Judgments of Well-Being: Informative and Directive Functions of Affective States, *Journal of Personality and Social Psychology*, 45, 513-523.

- Schwarz, N, & Clore, G.L. (2003). Mood as Information: 20 Years Later, *Psychological Inquiry*, 14, PP 296-303.
- Smith, C.A., & Ellsworth, P. C. (1982). Patterns of Cognitive Appraisal in Emotion, *Journal of Personality and Social Psychology*, 48, 813-838.
- Stephan, W.C., & Stephan, C.W. (1985). Intergroup Anxiety, *Journal of Social Issues*, 41, 157-175.
- Stempleman, L.M, Darcy, M.U.A., & Tracy, T.J.G. (2005). Helping and Coping Attributions: Development of the Attribution of Problem Cause and Solution Scale, *Educational and Psychological Measurement*, 65(3), 525- 542.
- Tafraite, R.C., Kassinove, H., & Dundin, L. (2002). Anger Episodes in High and Low-trait Anger Vommunity Adults, *Journal of Clinical Psychology*, 58, 1573-1590.
- Vallerand, R. J. (1987). Antecedents of Self-related Affects in Sport: Preliminary Evidence on the Intuitive-reflective Appraisal Model, *Journal of Sport Psychology*, 9, 161-182.
- Vallerand, F. (1998). Causal Explanation as Constraint Satisfaction: A Critique and a Feed Forward Connectionist Alternative, *Journal of Personality and Social Psychology*, 74, 312-328.
- Watson, D., Clark, L.A. & Tellegen, A. (1988). Development and Validation of Brief Measures of Positive and Negative Affect: The PANAS Scales, *Journal of Personality and Social Psychology*, 54, 1063-1070.
- Wegener, D.T., & Petty, R.E. (1997). The Flexible Correction Model: The Role of Naive Theories of Bias in Bias Correction, In M.P Zanna (Eds.), *Advances in Experimental Social Psychology* (Vol29, PP 141-208), San Diego: Academic Press.